

آخرين گزارش وزير خارجه به ملت ايران

ماموريت محمدجواد ظريف به انتهاي راه رسيد

سارا معصومي

«مذاكرات وين در آخرين هفته‌هاي كاري دولت دوازدهم به چارچوب يك توافق محتمل براي رفع تحریم‌هاي غيرقانوني ايالات متحده امريكا نزديك شده و اميدوارم در ابتدای دولت سیزدهم با دستیابی به تمامی حقوق ملت بزرگ ايران تکميل و موجب خرسندی و رضایت مردم عزيز ايران شود.» 21 تيرماه 1400. محمدجواد ظريف، وزير خارجه ايران.

این جملات شاه‌بیت آخرین گزارش دوره‌ای محمدجواد ظريف به مجلس شورای اسلامی درباره چند و چون توافق هسته‌ای ايران با 5+1 بود. بیست و دومین و آخرین گزارش وزارت خارجه بهانه‌ای شد تا محمدجواد ظريف مفصل‌ترین گزارش خود درباره برجام از آغاز دو سال تلاش برای رسیدن به توافق هسته‌ای تا تحولات شش سال اخیر را در 270 صفحه به اطلاع عموم برساند.

گزارش وزير خارجه به مردم در سایه دو تحول میدانی منتشر شد: نخست آنکه شمارش معکوس برای پایان کار دولت دوازدهم آغاز شده و تا کمتر از يك ماه دیگر ابراهیم ريیسی جانشین حسن روحانی خواهد شد. دوم آنکه از آغاز ماراتن مذاكرات در وين برای احیای برجام 100 روز گذشته اما رایزنی‌ها در ایستگاه ششم متوقف شده‌اند و به نظر میرسد که ادامه این روند به دولت بعد موکول شده است.

از ثبت واقعیات 8 سال گذشته تا اتمام حجت

گزارش وزير خارجه به مجلس و مردم، حکایت يك تیر و چند نشان است:

- 1- ثبت بیواسطه روند تولد توافق هسته‌ای.
- 2- رونمایی از فضای بین‌المللی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی که مذاكرات در آن آغاز شد و به نتیجه رسید.
- 3- گزارش واقع‌بینانه و کارشناسی درباره وضعیت اقتصادی ايران پیش از برجام در سایه تحریم‌ها، پس از آغاز مذاكرات در سایه توافق

موقت ژنو، پس از برجام در سایه رفع تحریم‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای ایران و پس از خروج ایالات متحده از توافق و بازگشت تمام تحریم‌های هسته‌ای به علاوه گسترده‌تر شدن دامنه تحریم‌ها.

4- پاسخ به بخش قابل توجهی از شبهه‌ها و انتقادهای متن برجام و نحوه اجرای آن.

5- پاسخ مستدل و مستند به ادعاهای درباره عدم رعایت خطوط قرمز تعیین شده برای تیم مذاکره‌کننده.

6- راییه اسناد و مدارک فنی هسته‌ای درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران پیش از برجام، در سایه برجام و پس‌اوبرجام، رد ادعاهای درباره تعطیل شدن برنامه هسته‌ای ایران در سایه برجام.

7- گزارش مستند و مستدل از فعالیت‌های منطقه‌ای و افزایش توانمندی دفاعی ایران پس از برجام و عدم تأثیرپذیری این دو از تعهدات هسته‌ای ایران.

8- انتشار متن کامل برخی نامه‌های متعدد و متنوع وزیر خارجه به مسوولان سیاست خارجی اتحادیه اروپا در 8 سال اخیر (فدریکا موگرنی و جوزپ بورل) و سایر مقام‌های 5+1 برای نخستین بار.

9- گزارش جزئیات اقدام‌های حقوقی، سیاسی و هسته‌ای ایران پس از خروج آمریکا از برجام در چند حوزه دوجانبه، چندجانبه، شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی.

10- راییه گزارش آماری از جنگ اقتصادی و تروریسم درمانی ایالات متحده علیه مردم ایران پس از خروج آمریکا از برجام.

11- اشاره به معنای فنی و سیاسی قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» مصوب مجلس شورای اسلامی و پروسه‌ای که دولت برای مدیریت تبعات توقف اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی توسط ایران تاکنون طی کرده است.

12- راییه گزارش از وضعیت مذاکرات هسته‌ای برگزار شده در وین در قالب شش دور در 100 روز گذشته و آنچه از داده و ستانده‌ها که تاکنون درباره آن توافق شده است.

13- حرف آخر وزیر خارجه به مردم و مسوولان با محوریت نگاه کارشناسی به آنچه در توافق حاصل شد و آنچه قابل دستیابی در سایه ادامه مذاکرات است.

برجام و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، گره خورده از دیروز تا امروز
گزارش وزیر خارجه به مردم با اشاره به بحث‌های اولیه درباره «نتایج توافق» آغاز میشود. در همان ابتدا جواد ظریف موقعیت ایران در مذاکرات هسته‌ای با 5+1 و وقت را یادآوری کرده و می‌نویسد: در شرایط گذار از دنیای دوقطبی و سیاست‌های ناهمگن قدرتهای به ظاهر

درجه اول دنیا، برای نخستین نوبت پس از جنگ جهانی دوم، این کشورها از سرِ ناچاری در موضع برابر مذاکراتی با یک قدرت منطقه‌ای به مذاکره نشستند.

به گزارش «اعتماد»، در شش سال گذشته یکی از جنجالی‌ترین بحث‌ها ارتباط میان برجام و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران بوده است. بحثی که تا به امروز نیز ادامه داشته و بر هیچ کس پوشیده نیست که بخشی از مطالبه طرف مقابل از ایران در سال‌های اخیر و پس از این نیز ایجاد ارتباط میان مذاکرات هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران بوده است. چنانکه امروز می‌شنویم، اصلی‌ترین گره در مذاکرات از سوی طرف امریکایی، اصرار بر درجه‌بندی درباره گفت‌وگوهای فرابرجامی با تهران در آینده است. وزیر خارجه در بخش مقدماتی گزارش به نمایندگان مردم و مردم درباره تاثیر برجام بر معادله‌های منطقه‌ای و به رسمیت شناخته شدن قدرت تهران می‌نویسد: «در بُعد منطقه‌ای، مذاکرات هسته‌ای، برجام و قطعنامه 2231 برای اولین مرتبه با وضوحی بسیار بالا شکاف عمیقی میان بخشی از حاکمیت امریکا و رژیم صهیونیستی ایجاد کرد؛ پدیده‌ای که در مسائل غیرمرتبط با ایران نیز نادر به شمار می‌آید. چالش و تعارض علنی و بی‌پروای هیات حاکمه امریکا و کم‌محلی آشکار در استقبال از نخست‌وزیر اسراییل برای نخستین‌بار حین یک سفر رسمی برای ایراد سخنرانی در کنگره آن کشور، از جمله ابعاد مهم منطقه‌ای حاصل از این تعامل بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. عدم موفقیت گروه لابی صهیونیست‌ها موسوم به ایپک که بیش از 40 میلیون دلار فقط برای رد برجام در کنگره امریکا هزینه کرد، یکی از موارد نادر شکست ایپک در موضوعی مرتبط با خاورمیانه بود. این امر به همان میزان مهم تلقی می‌شود که سایر قدرت‌های جهانی به توانایی ایران و نقش منطقه‌ای آن حین مذاکرات هسته‌ای اذعان کرده و بدین‌گونه زمینه به رسمیت شناخته شدن این موقعیت راهبردی منطقه‌ای را فراهم کردند. از سوی دیگر توانایی‌های سیاسی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران‌های عمیق منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر اساس منافع ملی کشور طی این روند مذاکراتی بر همگان آشکار شد. موانع ناشی از تحریم‌ها در ارتباط ایران با شرکای آسیایی به‌ویژه روسیه، چین، هند و نیز همسایگان منطقه‌ای برداشته و سبب شد تا حضور منطقه‌ای ایران منزلت دوستان و متحدین جمهوری اسلامی ایران را تقویت کند.»

توافقی که مانع توانمندی موشکی و فعالیت منطقه‌ای ایران نشد
در بخش دیگری از گزارش وزیر خارجه ذیل عنوان نتایج توافق و اجرای برجام، وزیر خارجه به دستاوردهای غیرهسته‌ای برجام برای ایران

می‌نویسد: ایران همزمان با صدور قطعنامه 2231 دیدگاه‌ها و مواضع مستحکم و تغییرناپذیر خود را در سند رسمی شورای امنیت ثبت کرد که «دولت جمهوری اسلامی ایران مصمم است به‌طور فعال برای ارتقای صلح و ثبات در منطقه در مواجهه با تهدید فزاینده تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌بار کم‌کم کند. ایران نقش پیشرو خود را در مبارزه با این خطر ادامه خواهد داد و آماده است با همسایگان خود و جامعه بین‌المللی در پرداختن به این تهدید مشترک جهانی به‌طور کامل همکاری کند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران تدابیر لازم برای تقویت توانمندی‌های دفاعی خود به منظور حراست از حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مقابل هر گونه تجاوز و همچنین مقابله با تهدید تروریسم در منطقه را ادامه خواهد داد. در این چارچوب، توانمندی‌های نظامی ایران از جمله موشک‌های بالستیک، منحصراً برای دفاع مشروع هستند. این تجهیزات برای قابلیت حمل سلاح‌های هسته‌ای طراحی نشده‌اند و بنابراین، خارج از حیطه یا صلاحیت قطعنامه شورای امنیت و پیوست‌های آن هستند».

رشد بی‌سابقه برنامه موشکی پس از برجام

«برجام دست و پای ایران در منطقه را بست. مذاکره‌کنندگان برجام برای رسیدن به توافق از فعالیت‌های منطقه‌ای ایران مایه گذاشتند. در برجام توافقی نانوشته برای محدودسازی توانمندی موشکی ایران وجود دارد.» این ادعاها در شش سال گذشته بارها و بارها از زبان منتقدان و مخالفان توافق هسته‌ای شنیده شده است. وزیر خارجه در آخرین گزارش به مردم درباره برجام به این ادعا نیز پاسخ داده و می‌نویسد: در میدان عمل، مبارزه جمهوری اسلامی ایران با داعش و دیگر نمونه‌های افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه و حمایت از جبهه مقاومت پس از برجام گسترش بیشتری یافت و همکاری‌های همه‌جانبه در این زمینه از جمله با روسیه توسعه یافت. خریدهای تسلیحاتی و تحویل سامانه موشکی «اس 300» انجام شد و گسترش کمی و کیفی برنامه مشروع دفاعی موشکی کشور در سال‌های پس از برجام رشد بی‌سابقه‌ای یافت به‌طوری که بیشترین تعداد آزمایشات اعلام شده موشکی کشور بلافاصله پس از انعقاد برجام انجام شد تا هیچ‌گونه شائبه مبتنی بر محدود شدن توان دفاعی کشور توسط بدخواهان نظام تصور نشود.

اعتراف غربی‌ها به نقطه ضعف موشکی و منطقه‌ای در برجام

«کوشش صادقانه برای رعایت خطوط قرمز»، دومین بخش از گزارش وزیر خارجه به مردم ذیل این عنوان با اشاره دقیق، مستند و مستدل به تلاش تیم مذاکره‌کننده برای رعایت حداکثری خطوط قرمز تعیین شده

پرداخته است. در این بخش نیز به مساله موفقیت تیم مذاکره‌کننده در تفکیک مساله توان موشکی و منطقه‌ای ایران از مذاکرات هسته‌ای اشاره و نوشته شده است: یکی از خطوط قرمز جدا کردن هر موضوع دیگری به خصوص توان موشکی و منطقه‌ای از مذاکرات هسته‌ای بود که با مقاومت بسیار شدید در طول بیش از یکسال و نیم، بالاخره طرف غربی کلیه خواسته‌های اولیه خود برای نظارت و راستی‌آزمایی برنامه موشکی و آزمایش‌های موشکی را کنار گذاشت. از سوی دیگر ممنوعیت اقدامات موشکی ایران و حتی تهدید به استفاده از زور برای پیشگیری از دستیابی ایران به مواد و فناوری موشکی در قطعنامه 1929 به محدودیت غیرالزام‌آور هشت‌ساله در قطعنامه 2231 تبدیل شد؛ آن هم صرفاً برای موشک‌هایی که به منظور قابلیت حمل سلاح هسته‌ای طراحی شده‌اند که با توجه به فتوای مقام معظم رهبری برای ایران موضوعیت ندارد. این واقعیت که امروز از دید غرب، موضوع موشکی یکی از ضعف‌های مهم برجام به شمار می‌رود، نشان‌دهنده توفیق جمهوری اسلامی طی آن سلسله مذاکرات است. خط قرمز دیگر محدودیت بازرسی از تاسیسات نظامی بود که با مشورت دستگاه‌های ذی‌ربط و نهادهای بالادستی به بهترین شکل رعایت شد. ترتیبات ویژه‌ای که برای این موضوع در برجام در نظر گرفته شده تبدیل به یکی از سه نقطه ضعف عمده برجام از دید ترامپ و بسیاری از سیاستمداران غربی است و حتی تعدادی از مذاکره‌کنندگان اروپایی علناً در زمان مذاکرات این ضعف را مطرح کردند.

تغییر موضع مذاکراتی ایران از 1394 و بحث جنجالی لغو یا تعلیق تحریم‌ها

وزیر خارجه در بخش دیگری از این گزارش به خط قرمز مهم دیگری که از سوی تیم مذاکره‌کننده رعایت شده اشاره کرده و می‌نویسد: «خط قرمز ضرورت رفع یکجای همه تحریم‌های هسته‌ای بر اساس تجربه مذاکرات ژنو و ناکارآمدی رفع مرحله‌ای تحریم‌ها در میانه مذاکرات برجام مطرح شد و هیات ایرانی که تا خرداد 1394ش، مذاکرات را بر اساس طرح اقدامات متناظر مرحله‌ای طراحی و دنبال کرده بود، حسب دستورالعمل جدید، طرح جدیدی مبنی بر انجام کلیه اقدامات در ابتدای کار توسط دو طرف و امکان بازگشت‌پذیری در صورت تخلف هر یک از دو طرف را تدوین و در استانبول ارائه کرد. خط قرمز مربوط به لغو و نه تعلیق همه تحریم‌ها غیر از تحریم‌های مربوط به کنگره آمریکا مورد رعایت قرار گرفت. با توجه به عدم همراهی کنگره، تنها دو گزینه وجود داشت: عدم توافق یا استفاده از اختیار رییس‌جمهور آمریکا برای اسقاط تحریم‌های کنگره برای مدت‌های تعیین شده در هر

قانون توسط کنگره. این وضعیت نیز از سوی هیات مذاکره‌کننده با صداقت گزارش شد و مورد موافقت قرار گرفت.»

تضمین اجرای برجام؛ مجادله‌ای از دیروز تا امروز

«مذاکره‌کنندگان ایرانی با اشک و ندی شرم‌ن، رییس وقت تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده از مطالبه‌های برحق عقب‌نشینی کردند. وزیر خارجه به دوستان قدیمی‌اش در آمریکا اعتماد کرد. نبود تضمین کافی برای اجرای برجام از سوی طرف مقابل توافق، اصلی‌ترین نقطه ضعف برجام است. ایران از آمریکا برای بازگشت به برجام و عدم تکرار تجربه قبلی تضمین می‌خواهد.» این جملات تنها مشتکی از خروار اتهامی است که از سوی منتقدان و مخالفان برجام متوجه تیم مذاکره‌کننده ایران شد. با توجه به آنکه با تجربه امروز و خروج آمریکا از برجام بحث تضمین گرفتن ایران از طرف مقابل برای عدم تکرار تجربه پیشین باز هم مطرح است، وزیر خارجه در پاسخ مستدل حقوقی به امکان اخذ چنین تضمینی می‌نویسد: «تصور اعتماد به امریکایی‌ها به عنوان دلیل عدم اخذ تضمین‌های قوی‌تر با واقعیات مکتوم و آشکار مذاکرات — که بر اساس بی‌اعتمادی متقابل بود — ناسازگار است. اصولاً هیچ مذاکره بین‌المللی بر اساس اعتماد متقابل شکل نمی‌گیرد. علت تولید بیش از 150 صفحه سند که قسمت عمده‌ای از آن در مورد مطالبات ایران است، نشانه بی‌اعتمادی متقابل است. از سوی دیگر، اخذ امضا و تعهد از فردی به معنی اعتماد به او نیست، بلکه به معنای وجود نداشتن ابزار دیگر در روابط بین‌الملل است. ضرورت اخذ تضمین‌های قوی‌تر به صورت مبسوط در زمان مذاکرات بحث و بررسی شد. چه تضمینی می‌توان از آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی گرفت که آنها را وادار به اجرای تعهدات خود کند؟ آیا امکان مراجعه به شورای امنیت که همین کشورها اعضای دایم آن هستند، وجود دارد؟ آیا تبدیل برجام به معاهده‌ای که شرط محال تصویب سنا را نیز دارا بود، می‌توانست تضمینی برای رعایت آن توسط امریکایی ترامپ باشد؟ آیا دیوان بین‌المللی دادگستری توانسته است مانع خروج یک‌طرفه آمریکا از عهدنامه مودت — که نه تنها یک معاهده مصوب سناي امریکاست، بلکه صلاحیت اجباری دیوان را نیز تضمین کرده است — شده یا لاقلاً قرار موقت خود را برای جلوگیری از جنایات آمریکا در ممانعت از دستیابی مردم ایران به غذا و دارو اجرایی کند؟ آیا ایجاد یک حکمیت اجباری — در تمایز با مرجع مشورتی موجود در برجام — می‌توانست مانع اقدامات آمریکا شود؟ آیا چنین مرجعی نمی‌توانست اقدامات جبرانی جمهوری اسلامی در کاهش تعهدات برجامی را با اختلال مواجه کند؟ تمامی این سوالات و گزینه‌های مختلف به صورت کارشناسی و تخصصی با استفاده از بهترین

حقوقدانان و دیپلمات‌های با سابقه بررسی و در شرایط موجود آن زمان بهترین و عملی‌ترین گزینه انتخاب شد، به تصویب رسید و اجرایی شد. بر این اساس مناسب‌ترین گزینه تضمین برای اجرای توافق از نظر بین‌المللی اجماع جهانی علیه برهم زنده توافق از یک سو و اتکا به ظرفیت‌های ملی و به ویژه «اتکا به ظرفیت برگشت‌پذیری در برنامه هسته‌ای» برای هزینه‌مند کردن نقض توافق بود که هر دو مورد استفاده قرار گرفت. البته نباید فراموش کرد که هیچ تضمینی — جز ایجاد هزینه کوتاه یا درازمدت برای متخلف — نمی‌تواند مانع استفاده از قدرت اقتصادی آمریکا برای تحمیل خواست خود بر دیگران شود.»

روایت ظریف از دعوت به کاخ سفید برای دیدار با ترامپ

شکست سیاست فشار حداکثری ایالات متحده علیه ایران که البته تاکنون هم در سایه دولت جو بایدن ادامه پیدا کرده یکی از سرفصل‌های انتخابی ظریف در آخرین گزارش برجامی به مردم بود. در این بخش وزیر خارجه برای نخستین‌بار به صراحت از تلاش‌های تیم ترامپ برای ترتیب دادن دیداری میان خود و رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده خبر می‌دهد: «دولت ترامپ اعتقاد داشت که فشار حداکثری طی مدت کوتاهی جمهوری اسلامی ایران را از پای در آورده و به تغییر حکومت یا تسلیم کشور در برابر خواست‌های آمریکا خواهد انجامید. مقاومت مردم نجیب و دلاور ایران در برابر نزدیک به چهار سال جنگ تمام عیار اقتصادی و به‌رغم همه فشارها و تنگناها، در کنار مدیریت ملی برای اداره کشور بدون درآمدهای نفتی، این توهم دولتمردان آمریکایی را فروپاشید و از اوایل سال 1398، دولت ترامپ سعی برای مذاکره، البته بر اساس مبانی و شرط‌های غیرقابل پذیرش خود، را تشدید کرد. از تحریم مقام معظم رهبری و وزیر امور خارجه برای وادارسازی ایران به مذاکره تا درخواست مستمر مذاکره با ریاست محترم جمهوری و استفاده از هم‌پیمانان خود همچون رئیس‌جمهور فرانسه و نخست‌وزیر ژاپن برای ترغیب ایشان به پذیرش مذاکره با ترامپ و حتی خروج از پروتکل‌های رایج با دعوت وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران به کاخ سفید برای مذاکره مستقیم با رئیس‌جمهور آمریکا و نیز سعی مجدد برای مذاکره با وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در حاشیه اجلاس سران گروه هفت در بیاریتس فرانسه همگی نشان‌دهنده ناکامی سیاست فشار حداکثری و تلاش ترامپ برای خروج از بن‌بست خودساخته بود.»

به گزارش «اعتماد»، ظریف به‌رغم اصرار مکرون حاضر به ملاقات با ترامپ و هیچ‌یک از اعضای هیات آمریکایی در بیاریتس نشد. حتی به اصرار ظریف، ملاقات با مکرون در خارج از هتل محل اقامت مکرون و ترامپ صورت گرفت، تا حتی به صورت تصادفی دیداری صورت نگیرد.

تصمیم بایدن برای بازگشت سریع به برجام و انواع کارشکنیها

آیا جو بایدن، رییسجمهور این روزهای ایالات متحده، تصمیم بازگشت به برجام را محور رویکرد خود در قبال ایران قرار داده بود یا مجموعه دیگری از عوامل به مشوق او برای بازگشت به توافق پس از راهیابی به کاخ سفید تبدیل شد؟ وزیر خارجه بخشی از گزارش به مجلس را به پاسخ مستند به این پرسش اختصاص داده و ذیل عنوان «حزب دموکرات و بازگشت به برجام» در این باره مینویسد: در تابستان 1399، سند ۸۰ صفحهای برنامه حزب دموکرات (موسوم به پلتفرم حزب دموکرات) با نام «بازسازی رهبری امریکا» منتشر شد که اولویتها و جهتگیریهای اصلی حزب دموکرات در مسائل اقتصادی، سیاست داخلی امریکا و روابط بینالملل را در صورت پیروزی در انتخابات ریاستجمهوری آن کشور مشخص می‌کرد. دموکراتها در آن سند وعده دادند که در صورت پیروزی، از مسیر دولت ترامپ برای «جنگ با ایران» عدول می‌کنند و به دیپلماسی هسته‌ای، کاهش تنش و گفت‌وگوی منطقه‌ای اولویت می‌دهند. در این سند، دموکراتها با توصیف برجام به عنوان بهترین ابزار برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای (به ادعای آنها) گفتند که بازگشت به اجرای متقابل برجام يك امر بسیار فوری و ضروری است. پیش از آن، در قطعنامه کمیته ملی حزب دموکرات مصوب 27 بهمن 1398ش، در رابطه با بازگشت ایالات متحده به برجام اعلام شده بود که «ایالات متحده امریکا باید به تعهدات خود ذیل برجام بازگردد و از دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه برای دستیابی به راه‌حلهای سیاسی نسبت به دیگر موضوعات باقیمانده مرتبط با ایران، استفاده کند».

وزیر خارجه در ادامه نوشت: پس از انتخاب پرحاشیه جو بایدن به عنوان رییسجمهوری امریکا، احتمال بازگشت ایالات متحده به برجام در روزهای ابتدایی دولت آقای بایدن قوت گرفت. بسیاری از نخبگان سیاست خارجی امریکا انتظار داشتند که وی در نخستین روزهای پس از ورود به کاخ سفید به تعهدات بین‌المللی امریکا از جمله برجام بازگردد. مخالفان داخلی برجام در امریکا و همچنین مخالفان منطقه‌ای برجام به ویژه نتانیاهو برای جلوگیری از بازگشت دولت بایدن به تفاهم برجام اقدامات گسترده‌ای را شروع کردند. دولت ترامپ در روزهای پایانی خود با اتخاذ تصمیمات شتابزده تلاش کرد راه‌های بازگشت امریکا به برجام و رفع تحریمها را مسدود کند. همچنین نتانیاهو و دیگر سردمداران رژیم صهیونیستی به صورت مستمر سیاست تهدید به اقدام یکجانبه از سوی اسرائیل در صورت بازگشت امریکا به برجام را مطرح کردند. اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در به شهادت رساندن دکتر محسن فخری‌زاده در تاریخ 7 آذر 1399ش،

(تنها سه هفته پس از انتخاب بایدن) اولین جلوه عملیاتی رویکرد همه‌جانبه اسرائیل برای نابودی یا لااقل دشوار کردن امکان بازگشت بایدن به برجام بود که با سلسله عملیات تروریستی هدایت شده توسط اسرائیل به ویژه علیه مجتمع غنی‌سازی نطنز در تاریخ 21 فروردین 1400ش، (با فاصله کمی از شروع مذاکرات وین) ادامه یافت. اقدامات رژیم صهیونیستی که از نظر هم‌زمانی با تحولات مذاکرات هسته‌ای، شدت و نزدیکی زمانی بی‌سابقه بود، توفیق نسبی در جلوگیری از بازگشت سریع بایدن به برجام داشت و واکنش‌های داخلی به شهادت دکتر فخرزاده و انفجار نطنز، از جمله توقف اجرای پروتکل الحاقی و شروع غنی‌سازی شصت درصد، بازگشت امریکا به برجام را پیچیده‌تر کرد. تلاش متقابل ایران و امریکا برای اهرم‌سازی یکی از عوامل پیچیدگی و طولانی شدن روند بازگشت بایدن به تعهدات برجامی شناخته شده است. گرچه بایدن پس از ورود به کاخ سفید و به‌رغم بازگشت به بسیاری از تعهدات بین‌المللی امریکا به دلایل نامعلومی فوراً دستور اجرایی ترامپ برای خروج از برجام را لغو نکرد، اما با فاصله کمتر از یک ماه، اقدام دولت ترامپ برای بازگرداندن قطعنامه‌های شورای امنیت در سازمان ملل متحد را — که توسط اکثریت قریب به اتفاق دولت‌ها رد شده بود — رسماً پس گرفت و آمادگی دولت جدید برای بازگشت بدون قید و شرط و متقابل به تعهدات برجامی را اعلام داشت.

نخستین رونمایی از وضعیت مذاکرات وین

جواد ظریف در 100 روز گذشته کمترین اظهارنظر صریح را درباره جو آب و هوایی حاکم بر مذاکرات وین داشته و به همین دلیل عباس عراقچی، معاون سیاسی او که ریاست هیات مذاکره‌کننده در وین را برعهده دارد به تنها مرجع برای خبر دادن از مذاکرات تبدیل شد. با این همه ظریف برای نخستین‌بار در آخرین گزارش به مردم از چند و چون مذاکرات، گره‌های باز شده و تعهداتی که طرف امریکایی باید برای بازگشت به برجام انجام بدهد و آنچه ایران توانسته تاکنون در میز مذاکره بستاند، گزارش داده است. این بخش از گزارش ظریف در حقیقت برای ثبت در تاریخ است تا مردمی که پس از حصول برجام در تابستان 1394 با حضور در فرودگاه به استقبال او آمدند یا آنها که در این سال‌ها هرگاه او را در مراسمی دیدند از فشار اقتصادی گلایه کردند، بدانند که وزیر خارجه آنها مذاکرات را در چه فضایی تحویل دولت بعد داد. ظریف با اشاره به اینکه مذاکرات وین منطبق با سیاست قطعی نظام شروع شده و ادامه یافت، نوشت: از ابتدای سال 1400، دولت جمهوری اسلامی ایران وارد مذاکراتی سخت و نفسگیر با کشورهای عضو کمیسیون مشترک برجام (موسوم به 1+4) و از طریق آنان

به صورت غیرمستقیم با امریکا شد. مبنای این مذاکرات که تاکنون شش دور آن برگزار شده است، دقیقاً منطبق با سیاست قطعی نظام که توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در روز اول فروردین 1400ش، اعلام شد، بوده است: «امریکایی‌ها باید تمام تحریم‌ها را لغو کنند، بعد از این ما راستی‌آزمایی خواهیم کرد و سپس به برجام برمی‌گردیم و این يك سیاست قطعی است». خروجی این مذاکرات يك مصوبه کمیسیون مشترك برجام خواهد بود که سه پیوست دارد: رفع تحریم‌ها (تعهدات امریکا)، اقدامات هسته‌ای (تعهدات ایران) و طرح اجرایی (چگونگی اجرا از جمله راستی‌آزمایی). این مصوبه بدون حضور امریکا خواهد بود و متعاقب انجام تعهدات رفع تحریمی و با تصمیم کمیسیون مشترك، امریکا به عنوان عضو به برجام بازخواهد گشت.»

کدام تحریم‌ها لغو خواهند شد؟

به گزارش «اعتماد»، در چهار دور از شش دور مذاکرات برجامی که تاکنون برگزار شده یکی از گره‌های پیش روی احیای برجام حل شد اما به گفته منابع آگاه دوره‌های پنجم و ششم مذاکرات عملاً به رایزنی درباره دو تا سه اختلاف واحد گذشت و البته به نتیجه هم نرسید. ناگفته پیداست که اصلی‌ترین اختلاف باقیمانده از نظر ایران مخالفت امریکا با لیست تحریمی است که ایران می‌گوید باید برای احیای برجام رفع شوند. اما اصلی‌ترین سوال این است که امریکا با لغو کدام تحریم‌ها موافقت کرده و کدام تحریم محل اختلاف است. وزیر خارجه در بیست و دومین گزارش به مجلس به صراحت از آنچه در جریان مذاکرات به دست آمده پرده برداری کرده و می‌نویسد: بر اساس چارچوبی که تاکنون در مذاکرات وین به دست آمده است، در صورت حصول توافق و بازگشت امریکا به برجام، کلیه تحریم‌هایی که وفق برجام رفع شده بودند، مجدداً رفع خواهند شد. علاوه بر این، کلیه تحریم‌های ترامپ که در صورت استمرار عضویت امریکا در برجام، نمی‌توانستند وضع شوند (ولو به بهانه‌های دیگر) نیز رفع خواهند شد. بر این اساس، طرف مقابل عنوان می‌دارد که در نتیجه بازگشت به برجام، تمامی تحریم‌های ذکر شده در برجام (به شمول بخشی، موضوعی یا شخصی) و نیز کلیه تحریم‌های وضع شده بعدی که مانع انتفاع ایران از آثار لغو تحریم‌های برجامی می‌شوند، رفع خواهند شد. در نتیجه، آثار این رفع تحریم‌ها به صورتی خواهد بود که کلیه اشخاص غیرامریکایی، برای اقدام و فعالیت در حوزه‌های زیر با موانع تحریمی امریکا روبه‌رو نخواهند بود: رفع تحریم‌های مالی و بانکی، رفع تحریم‌های مربوط به نفت، گاز و پتروشیمی، رفع تحریم‌های مربوط به بیمه، رفع تحریم‌های مربوط به کشتیرانی، کشتی‌سازی و بنادر، رفع تحریم‌های مربوط به طلا

و فلزات گرانبها، رفع تحریم‌های مربوط به بخش خودروسازی، رفع تحریم‌های مربوط به نرم‌افزار و فلزات (تحریم برجامی)، رفع تحریم‌های مربوطه به بخش‌های آهن، فولاد، آلومینیوم و مس (تحریم ترامپ)، رفع تحریم‌های بخش‌های ساخت‌وساز، معدن، تولید، منسوجات و بخش مالی، حوزه هواپیمایی. بدین ترتیب و بنا بر این نتایج تمامی تحریم‌های موضوعی علیه اقتصاد ایران شامل تحریم‌های قبل از برجام (مالی و بانکی، بیمه، انرژی و پتروشیمی، کشتیرانی، کشتی‌سازی و بخش بنادر، طلا و فلزات گرانبها، نرم‌افزار، صنعت خودرو، فروش هواپیما و خدمات مربوطه و واردات فرش و مواد غذایی از ایران) و تحریم‌های بعد از برجام، زمان ترامپ (صنایع فلزات ایران، صنایع معدنی، عمران، صنایع نساجی، تولید) رفع خواهند شد. در صورتی که در وین توافق حاصل شود، امریکا اجرای قوانین کنگره به شرح زیر را متوقف می‌کند و لذا این تحریم‌ها فاقد آثار اجرایی خواهند بود:

قانون مجوز دفاعی سال 2012م.

قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه 2012م.

قانون آزادی ایران و مبارزه با اشاعه 2012م.

قانون تحریم‌های ایران.

در مورد قوانین لغو روادید و قانون مبارزه با دشمنان امریکا از طریق تحریم (کاتسا) ایالات متحده متعهد است که هیچ یک از مفاد آنها اجرای کامل تعهدات برجامی توسط امریکا را خدشه‌دار نکند. این بدان معناست که هر دو قانون بر اجرای کامل تعهدات برجامی امریکا بلاثر خواهند بود. چنانچه خلاف آن ثابت شود، در واقع نقض تعهدات امریکا ذیل برجام تلقی خواهد شد که می‌تواند با واکنش جمهوری اسلامی ایران بر اساس حقوق خود مندرج در بندهای 26 و 36 برجام مواجه شود.

امریکا همچنین در صورت توافق کامل فرمان‌های اجرایی زیر را لغو می‌کند:

مربوط به قبل از برجام:

فرمان اجرایی 13754

فرمان اجرایی 13590

فرمان اجرایی 13622

فرمان اجرایی 13645

فرمان اجرایی 13628

مربوط به زمان ترامپ:

بخشی از فرمان اجرایی 13846،

فرمان اجرائی 13781 (تحریم صنایع فلزات ایران)،
فرمان اجرائی 13902 (تحریم صنایع معدنی، عمران، نساجی و تولید)،
فرمان اجرائی 13876 (تحریم علیه دفتر مقام معظم رهبری و
مجموعه‌های وابسته)،

همچنین شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان به اصطلاح
«سازمان تروریستی خارجی» ابطال خواهد شد.

در بخش دیگری از این گزارش وزیر خارجه در قالبی کلی به تحریم‌هایی
اشاره می‌کند که ایالات متحده با لغو آنها موافقت نکرده و می‌نویسد:
«امریکا حاضر به رفع بخشی از تحریم‌های خود، شامل «تحریم‌های
اولیه» که افراد و نهادهای امریکایی را از مبادلات اقتصادی با
ایران منع می‌کند و از سال‌های آغازین انقلاب اسلامی برقرار و به
تدریج انباشته شده است و نیز فهرستی از افراد و نهادهای ایرانی
که به بهانه‌های غیرهسته‌ای وضع شده‌اند (مثل به اصطلاح تروریسم،
موشکی، حقوق بشر و...) نیست و جمهوری اسلامی ایران نیز اساساً هیچ‌گاه
در مورد این موضوعات مذاکره نکرده و نمی‌کند.»

و آخر دعوانا ...

جواد ظریف، وزیر خارجه گزارش خود را با سخن گفتن با مردم و
مسوولان دولت بعد به پایان می‌رساند. سخنانی که «اعتماد» تیتراژ «حرف
آخر با مردم» را برای آن برگزید. وزیر خارجه در این بخش به
اعتقاد همیشگی درباره نقش وزیر خارجه به عنوان مجری سیاست خارجی
تعیین شده از سوی نظام عمل کرده و نظر کارشناسی خود درباره مسیر
آمده و راه پیشرو را بدون لکنت زبان عمومی کرده و می‌نویسد: «پس
از دو سال مذاکره فشرده و طاقت‌فرسا برای دستیابی به یک توافق
قابل قبول، نیز شش سال کوشش نفسگیر برای حراست از حقوق ملت شریف
ایران و جلوگیری از متلاشی شدن توافق همراه با هشت سال ناسزا
شنیدن، خون خوردن و دم برنیاوردن بر سر اتهاماتی ناروا، اینک در
آستانه واگذاری مسوولیت به برادران و خواهرانی تازه نفس و پرنشاط
لازم است چند تجربه و نکته به عنوان جمع‌بندی صادقانه و مشورت
مشفقانه تقدیم شود.

برجام حاصل کوششی عاشقانه برای رهانیدن ایران از دام امنیتی‌سازی
امریکا و تحریم‌های ظالمانه، در عین حفظ توان هسته‌ای با رعایت
حداکثری خطوط قرمز در شرایط دشوار بود؛ ولی همچون هر توافق
دیگری حاصل مذاکره و داد و ستد بین‌المللی است که در شرایط خاص
در سال 1392ش و به دنبال رای قاطع مردم به حل و فصل موضوع هسته‌ای
بر اساس تعامل سازنده و عزتمند شکل گرفت.

هیچ توافقی برای هیچ‌یک از طرف‌های آن توافق بی‌نقص نیست. هر یک از

طرفها از بخش‌هایی از توافق ناراضی و ناخشنود است. این طبیعت هر توافقی است. لذا لازمه رسیدن به توافق درك این واقعیت است که بدون توجه به حداقل قابل قبولی از نگرانی‌ها و مطالبات همه طرفها، امکان مصالحه وجود ندارد. گرایش حداکثری تنها به مذاکرات فرسایشی و بی‌پایان می‌انجامد که تقریباً در تمامی شرایط ضرر یا لااقل عدم النفع آن برای کشور و مردم از منافع فرضی رسیدن — ناممکن — به توافق ایده‌آل کمتر نیست. تلاش هر يك از کنشگران برای پیروزی به هزینه شکست طرف مقابل — بازی با حاصل جمع صفر — به ناکامی هر دو طرف — بازی با حاصل جمع منفی — می‌انجامد؛ البته ممکن است ضرر همه طرفها یکسان نباشد. در دنیای به هم پیوسته کنونی تنها در نظر داشتن منافع همه طرفها — بازی با حاصل جمع مثبت — است که می‌تواند نتیجه مطلوب را به همراه داشته باشد.

به همین دلیل رسیدن به توافق نیازمند شهامت و ایثار و آمادگی برای هزینه از آبرو و رجحان بخشیدن منافع ملی به مصالح شخصی است. تفاهم — که لامحاله نیازمند نوعی مصالحه است — در هیچ فرهنگ و جامعه‌ای بدواً مطلوب و محبوب نیست و قهرمانان تاریخی بیشتر جوامع انسانی، جنگ‌آوران و مبارزان میدان نبرد بوده‌اند و نه کنشگران عرصه دیپلماسی، تفاهم و مصالحه. اما واقعیت آن است که دستاورد هر جنگی در پشت میز مذاکره نقد می‌شود و ناکامی‌های هر نبردی در مصاف دیپلماتیک تعدیل — و نه واژگون — می‌شوند.

منافع ملی و مصالح عالی مردم و کشور اقتضا می‌کند که سیاست خارجی صحنه دعوی سیاسی و جناحی داخلی نباشد و کارگزاران این حوزه مستظهر به پشتوانه اجماع ملی و همدلی و همراهی عمومی — البته همراه با نظارت و نقد مشفقانه — باشند. نقد سازنده نیازمند رایه پیشنهاد عملی و واقع‌بینانه است و نه صرفاً خرده‌گیری، حتی از نوع منصفانه. رایه راهکارهای پیشنهادی از سوی منتقدین از يك طرف می‌تواند با تضارب آرا به انتخاب گزینه‌های برتر و کارآمدتر بینجامد و از سوی دیگر امکان تبادل نظر واقعی همراه با پاسخگوسازی کارگزاران را فراهم کند. همزمان باید پذیرفت که کارگزاران دیپلماسی و سیاست خارجی — از کارشناس، سفیر یا وزیر — تصمیم‌گیر نهایی نیستند و در همه جای دنیا مجری تصمیمات نهادهای بالادستی هستند. مصالح عالی هر کشور در يك حوزه خلاصه نمی‌شود و تصمیم‌گیر نهایی باید همه جنبه‌ها در يك وضعیت را بسنجد. يك دیپلمات یا يك مجری در میدان نمی‌تواند توقع داشته باشد که تصمیم نهایی را او بگیرد یا حتی تصمیم نهایی مطابق سلیقه، نگرش یا گزینه پیشنهادی‌اش باشد. البته باید در ارائه نظر کارشناسی صادقانه و شجاعانه نظراتش را بیان دارد؛ اما هنگام عمل بهترین و

بیشترین کوشش بر اجرای بهینه و تمام عیار تصمیمات ملی — هر چند مغایر پیشنهاد خود یا سازمانش باشد — را به کار بسته و از همان سیاست جانانه دفاع کند.

هر سیاستی نقاط قوت و ضعف دارد. مخالفان یک سیاست ضمن اظهار نظر و نقد سازنده، نباید اجرای سیاست اتخاذ شده را مختل کنند. مانع تراشی مخالفان در اجرای سیاست‌های متخذه نه تنها باعث اصلاح آن سیاست نمی‌شود، بلکه موافقان سیاست را به سرسختی می‌کشاند، مانع دستیابی به حداقل منافع ناشی از آن سیاست می‌شود و همواره بهانه‌ای به دست طرفداران سیاست برای مخالفت با ارزیابی دقیق و بازنگری ضروری می‌دهد که اگر سنگ‌اندازی‌ها نبود موفقیت حاصل می‌شد. به هر حال، هر سیاستی اگر درست اجرا شود منافع دارد و اگر در زمان اجرا دچار دعوا در اصل سیاست شود، یقیناً تمامی ضررهای مورد اشاره مخالفان واقع شده و هیچ یک از منافع متصور حاصل نمی‌شود.

اگر به عوض مناقشه و مجادله بر سر اینکه برجام پیروزی قطعی بود یا شکست کامل — که حتماً هیچ یک نبود — همگی کوشیده بودیم بیشترین منفعت را از برجام ببریم، چه بسا شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورده بود. اگر از ابتدا در پی استفاده حداکثری از هر میزان دستاورد برجام — حتی در بدترین نگرش‌ها — بودیم و مقدار بیشتری سرمایه خارجی جذب کرده و تعداد بیشتری از شرکت‌ها از همه نقاط جهان را به کشور کشانده بودیم، تحریم ایران و اعمال فشار حداکثری بسیار دشوارتر می‌شد. اگر در مورد ضرورت کار متوازن با شرق و غرب به یک اجماع ملی رسیده بودیم و از یکسو با خوش‌خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی از خود نرنجانده بودیم و از سوی دیگر از همه امکانات برجام برای ایجاد منافع اساسی اقتصادی برای همه کنشگران — به شمول شعبات خارجی شرکت‌های امریکایی — بهره برده بودیم، هم دوستانمان سرخورده نمی‌شدند و در دوران سختی رهایمان نمی‌کردند و هم ترامپ برای فشار حداکثری با مانع جدی سرمایه‌داران جهانی — از جمله در داخل امریکا — مواجه می‌شد. فقط نیاز بود همدل و همصدا از همه امکانات برای اجرای بهینه سیاست کشور در پذیرش برجام استفاده می‌کردیم.

اکنون بهترین زمان برای ایجاد این همدلی و همصدایی است. موفقیت در مذاکرات اخیر وین و شکست نهایی سیاست فشار حداکثری با بازگشت امریکا به تعهدات برجامی می‌تواند در فضای جدید سرای سیاست کشور، زمینه را برای بهترین بهره‌برداری از تمامی ظرفیت‌های برجام فراهم کند، با اصالت دادن به روابط با همه شرکا و ایجاد توازن در روابط اقتصادی خارجی — و صد البته با تکیه بر اقتصاد مقاومتی مبتنی بر درون‌زایی و برون‌گرایی — رشد و شکوفایی بی‌نظیری را برای کشور و

نسل‌های بعدی به ارمغان آورد. برنامه 25 ساله با چین، روابط راهبردی با روسیه، سیاست همسایگی و اولویت همسایگان و استفاده حداکثری از تعهدات کشورهای غربی در برجام بستر مناسب برای چنین آینده‌ای است. (حسبناالله و نعم الوکیل)

آخرین وضعیت مذاکرات وین از زبان وزیر خارجه

در صورت احیای برجام تمام تحریم‌های موضوعی علیه اقتصاد ایران و تحریم علیه دفتر رهبری لغو و شناسایی سپاه به عنوان سازمان تروریستی ابطال خواهد شد. اکنون بهترین زمان برای ایجاد این همدلی و همصدایی است. موفقیت در مذاکرات اخیر وین و شکست نهایی سیاست فشار حداکثری با بازگشت آمریکا به تعهدات برجامی می‌تواند در فضای جدید سرای سیاست کشور، زمینه را برای بهترین بهره‌برداری از تمامی ظرفیت‌های برجام فراهم کند.

تعلل، دولت بعد را گرفتار می‌کند

عبدالرضا فرجی‌راد

گزارشی که با عنوان «بیست و دومین گزارش اجرای برنامه جامع اقدام مشترک» به همراه نامه محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان به رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارسال شد، در واقع گزارشی کامل از سیر تحولات برجام چه از ابتدای اعلام آن در سال ۱۳۹۴ تا پیش از حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید و چه بعد از آن و چه دوره اخیر مذاکرات میان 4+1 با ایران و آمریکا را پوشش می‌دهد، است. در بخش نخست اقداماتی است که با اجرای برجام انجام شد که چگونه این توافقنامه توانست تحریم‌های تحمیل شده علیه ایران در دوران دولت نهم و دهم را از جمله تحریم‌های هسته‌ای آمریکا، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های اتحادیه اروپا را لغو کند. این بخش از گزارش نشان‌دهنده دستاوردهای برجام برای ایران است که به‌رغم مشکلات و سختی‌ها، در اقدامی بی‌سابقه توانستند قطعنامه ۲۲۳۱ را به تصویب و به اجرا

برسانند که تا حد زیادی تحریم‌های سنگینی با توجه به دخالت شوراي امنیت در واقع «همه دنیا» به ایران تحمیل کرده بودند. در این گزارش همچنین موارد نقض تعهد از سوی دولت اوباما در دوران اجرای برجام را هم فهرست کرده است. در ادامه با روی کار آمدن ترامپ و نقض فاحش توافق و قطعنامه ۲۲۳۱ و پس از آن خروج آمریکا از توافق، اقدام‌های ایران برای پیگیری بین‌المللی عملکرد آمریکا فهرست شده است. وزارت امور خارجه، در این گزارش نشان می‌دهد که تمام وظایفی را که به این نهاد محول شده است، انجام داده.

اما آنچه قابل توجه است و امروز ما با آن سر و کار داریم، مساله مذاکراتی است که در سه ماه گذشته در جریان دارد. گزارشی که از نتیجه این مذاکرات ارایه شده است، نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد از تحریم‌هایی که چه در قالب خروج از برجام آمریکا به ایران تحمیل کرده و چه علاوه بر آن در دوران ترامپ وضع شده بود و ایران هم انتظار داشت که برداشته شود، طرف امریکایی با لغو آنها موافقت کرده است؛ این نکته بسیار مثبتی است.

نخست اینکه در شرایط سخت اقتصادی که کشور با آن روبه‌رو است و برای چیزهای بسیار ساده‌ای که برای بسیار از کشورها حل شده مانند واکسن کرونا ما به دلیل تحریم‌ها قادر به تامین آن نیستیم، انتظارات را برای رفع تحریم‌ها بالا برده است. حالا این گزارش با توجه به توصیفی که از آمادگی آمریکا برای لغو تحریم‌ها می‌کند، در افکار عمومی توقعات را بیشتر می‌کند. در نتیجه مردم انتظار دارند که اقدام‌های عاجل و سریع‌تری انجام شود.

دوم اینکه دولت جدید سه هفته دیگر کار خود را آغاز می‌کند و با گزارشی که منتشر شده است، مردم انتظار دارند که دولت بعدی وضعیت فعلی زندگی زیر تحریم را حفظ نکند یا حتی اقدامی انجام ندهد که وضعیت از اینکه هست، بدتر شود. حتما انتظار دارند اوضاع بهتر شود، دلار پایین بیاید، تورم کنترل و فساد کمتر شود. وقتی در مورد فساد صحبت می‌کنیم، بخشی از این فساد ناشی از تحریم‌ها و روی آوردن به قاچاق و شیوه تجارت و معاملاتی است که تحریم به تجارت، بازرگانان و دولت تحمیل کرده است. انتظار می‌رود با توجه به اینکه مردم با خواندن این گزارش مطلع شده‌اند، دولت آینده و مجلس کنونی اقدامی در جهت اجرای دستاوردهای مذاکرات وین انجام دهند.

ممکن بود اگر این گزارش منتشر نمی‌شد، دولت آینده ادعا می‌کرد که هنوز تحریم‌ها برقرار و مجبور است که تحت تحریم کشور را اداره کند. اما الان افکار عمومی متوجه است که طرف مقابل، یعنی آمریکا، موافقت کرده است که بخش قابل توجه و تقریباً کل تحریم‌ها را بردارد.

چیزی که در گزارش مشخص نیست، نگرانی است که از خروج مجدد امریکا از برجام در يك دولت بعدي است. در مذاکرات اخير تضميني داده نشده است، بهانه اين است که امریکاييها نمیتوانند تضميني بدهند یا میگویند که سنای امریکا قبول نمی‌کند. به نظر من یکی از مهم‌ترین تضمین‌هایی که از امریکا برای باقی ماندن در برجام می‌توان گرفت، این است که ما رویکرد اقتصادی-سیاسی و تجارت بین‌المللی خودمان را تغییر دهیم به شکلی که همه دنیا بتوانند با ما معامله و در ایران سرمایه‌گذاری کنند. رییس‌جمهور منتخب، سیدابراهیم ریسی هم چندین بار روی موضوع سرمایه‌گذاری خارجی تاکید کرده و در چندین مصاحبه این سیاست را به عنوان یکی از رویکردهای دولت آینده مطرح کرده است. یکی از راه‌های پیش روی ایران برای گرفتن تضمین از امریکا برای باقی ماندن در برجام این است که امریکا هم مانند دیگر کشورهای جهان در اقتصاد، تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران سهم شود. همان‌طور که روسیه، چین، اروپا، هند، ترکیه و بسیاری کشورهای دیگر در ایران مشغول به تجارت و سرمایه‌گذاری هستند، امریکاييها هم باید در اقتصاد ایران سهم باشند، تا نخست بهانه از آنها برای تحریم ایران گرفته شود و دوم اینکه این تحریم‌ها ابتدا به خودشان آسیب وارد کند.

وزیر امور خارجه در این گزارش، تلویحا و غیرمستقیم به این موضوع اشاره کرده که یکی از دلایل جمهوریخواهان علاقه‌ای به رفع تحریم‌های ایران ندارند، همین است که هیچ منافع اقتصادی در آزادی تجارت ایران با جهان برای امریکا نمی‌بینند. ظریف در این گزارش اشاره کرده است که ما هم در دوران رفع تحریم‌ها به برخی دوستان کم لطفی کردیم و هم اجازه ندادیم که امریکاييها از این آزادی تعامل و تجارت بهره‌مند شوند.

با توجه به آنچه در بالا نوشته شد، آنچه می‌توان از این گزارش نتیجه گرفت این است که؛ ۱- طبیعتا راه برای امضای هر چه سریع‌تر توافق بازگشت امریکا به برجام در پی مذاکرات وین هموار شده است. ما نباید در رفع تحریم‌ها تاخیر و تعلل بکنیم و در واقع پذیرش این توافق حتی امروز یا فردا یا هفته آینده، به معنای توفیق دولت فعلی یا برد اشخاصی مانند رییس‌جمهور یا وزیر خارجه کنونی نیست. درست است که نماینده و طرف مذاکره‌کننده ایرانی از وزارت امور خارجه انتخاب شده، اما محل تصمیم‌گیری و سیاستگذاری شورای عالی امنیت ملی است و مذاکره‌کننده ایران با آنجا هماهنگ کرده است. این يك نهاد بالادستی است که فراتر از اشخاص، رییس دولت یا وزیر امور خارجه و مذاکره‌کنندگان ماست. چه در این دولت و چه در دولت رییس‌جمهور منتخب، سیدابراهیم ریسی این توافق پذیرفته شود،

به پای نظام نوشته میشود و نه به پای رییسجمهور. در نتیجه تعلل جایز نیست و با توجه به تلاشهایی که برخی دشمنان ایران از جمله اسرائیل و... میکنند که تاثیرگذاری منفی داشته باشند، ضروری است که سریعتر این توافق به سرانجام برسد.

۲- با انتشار این گزارش انتظار در مردم ایجاد شده است که کار هر چه سریعتر تمام شود. دیگر کسی انتظار ندارد که دوباره شش ماه، یکسال دیگر به بهانه مذاکره تازه یا سیاست دیگر ادامه پیدا کند. ۳- در عالم دیپلماسی صفر و صد نداریم. ممکن است که در مطالبات یک طرف مذاکره ۵ درصد یا ۱۰ درصد بالا و پایین شود، طرفی امتیازاتی بدهد و امتیازاتی بگیرد.

۴- وظیفه مجلس با این گزارش سه ماهه سنگین شده است. مجلس به عنوان نمایندگان مردم است و مردم از آنها انتظار دارند که یا یکسره گزارش را رد و ادعا کنند که تمام مفاد آن دروغ و خلاف واقع است یا اینکه در راستای منافع و معیشت مردم اقدام کرده و دولت را وادار به رفع سریع تحریمها کنند.

۵- دولت جدید سر کار میآید و انتظارات از این دولت زیاد است. در دوران تبلیغات انتخاباتی، انتقادات زیادی از عملکرد اقتصادی دولت فعلی شده است و طبیعتاً با این گزارش مردم به دولت پیشرو میگویند که این گوی و این میدان شما، با توجه به اینکه مسیر رفع تحریمها هموار شده و شورای عالی امنیت ملی هم در جریان این دستاوردهاست، همه میدانند که با یک تصمیم سیاسی میتوان بخش عمدهای از تحریمها را برطرف کرد، در بین مردم این سوال وجود خواهد داشت که اگر تحریمها رفع نشده است، مشکل از کجاست؟ قطعاً این مشکل میرود روی دوش دولت بعدی. به نفع دولت بعدی است که هر چه زودتر این مانع اقتصادی و تحریمی از پیش پای کشور برداشته شود و حتی اگر در روزهای پایانی این دولت انجام شود، به نفع دولت بعدی خواهد بود، چراکه زمینههای یک اقتصاد باز برای دولت بعدی فراهم میشود. اگر قرار باشد کار به تعلل و استقرار دولت بعدی و رای اعتماد وزرا و تعیین تیم مذاکرهکننده و از سرگیری مذاکرات بکشد، وقت زیادی میگذرد و قطعاً انتظاری که مردم در سه ماهه اول دولت دارند برآورده نمیشود و به تدریج این چهره ناموفق در ذهن مردم میماند و تغییر این چهره منفی برای دولت آینده کار سادهای نخواهد بود.

نکات مهم گزارش سه ماهه در مورد برجام

کورش احمدی

گزارش سه ماهه برجام که دیروز توسط وزیر خارجه به کمیسیون خارجی مجلس تقدیم شد، حاوی نکات مهمی است. به ویژه بخش مربوط به مذاکرات چند ماهه اخیر در وین حائز اهمیت است؛ چرا که دولت و وزارت خارجه در این گزارش تکلیف را روشن کرده و نشان داده‌اند که تا آنجا که به سند برجام مورخ 23 تیر 1994 و حتی فراتر از آن مربوط می‌شود، کاری را که باید انجام می‌داده‌اند، به نحو احسن انجام داده‌اند و در همه زمینه‌ها برای بازگشت به برجام 94 و اجرای تمامی تعهدات طرفین توافق حاصل شده است. نکته مهم در این گزارش این است که آمریکا در این مذاکرات پذیرفته که تحریم‌هایی که ذیل برجام رفع شده بودند و در دوره ترامپ به بهانه دیگر مجدداً اعمال شدند، مجدداً رفع شوند.

با این حال، از این گزارش چنین بر می‌آید که به‌رغم توافق برای احیای برجام قرار نیست توافق برای بازگشت آمریکا به برجام و رفع تحریم‌ها در سه هفته باقی مانده از عمر دولت روحانی نهایی شود. دکتر ظریف در نامه خود که گزارش به پیوست آن ارسال شده، تصریح کرده که «این مذاکرات در آخرین هفته‌های کاری دولت دوازدهم به چارچوب يك توافق محتمل برای رفع تحریم‌های غیرقانونی ایالت متحده آمریکا نزدیک شده است.» وی سپس اظهار امیدواری کرده که «آنچه تاکنون امکان تحقق آن فراهم شده در ابتدای دولت سیزدهم با دستیابی به تمامی حقوق ملت بزرگ ایران تکمیل شود.» به این ترتیب، ظاهراً نباید حداقل تا اوایل شهریور یعنی تا بعد از تکمیل رای اعتماد مجلس به کابینه جدید، انتظار احیای مذاکرات با 5+1 و نهایی شدن کار را داشته باشیم.

بخش 13 گزارش که به شرح مذاکرات وین اختصاص یافته، مهم‌ترین بخش گزارش است. در این بخش تأکید شده که مبنای کار طرف ایرانی «سیاست قطعی» ایران به نحو مقرر شده توسط مقام معظم رهبری در اول فروردین 1400 بوده که در آن بر لغو تمامی تحریم‌ها و راستی‌آزمایی درستی آن قبل از اقدام ایران برای انجام تعهداتش، تأکید شده است. در این بخش از گزارش گفته شده که توافق نهایی که به تصویب کمیسیون مشترک برجام خواهد رسید، مرکب از سه بخش شامل رفع

تحریم‌ها، اقدامات هسته‌ای ایران و طرح اجرایی، از جمله راستی‌آزمایی، خواهد بود.

در این بخش، ضمن شرح تعهداتی که آمریکا در مذاکرات پذیرفته، تاکید شده که این توافقات موقتی است به این معنی که مادام که در مورد همه چیز توافق نشده این توافقات نهایی نیستند. توافقات موقت حاصله به این معنی است که در صورت نهایی شدن آنها و بازگشت آمریکا به برجام تمامی تحریم‌های ذکر شده در برجام - اعم از بخشی، موضوعی یا شخصی - و نیز همه تحریم‌های وضع شده توسط دولت ترامپ که مانع انتفاع ایران از آثار لغو تحریم‌های برجامی می‌شوند، رفع خواهند شد و در نتیجه، همه اشخاص حقیقی و حقوقی غیرامریکایی قادر به اقدام و فعالیت در حوزه‌های مالی بانکی، نفت، گاز، پتروشیمی، بیمه، کشتیرانی، کشتی‌سازی، بنادر، طلا و فلزات گرانبها، خودروسازی، نرم‌افزار، بخش‌های ساخت و ساز، معدن، تولید، منسوجات و هواپیمایی و نیز صادرات فرش خواهند بود و نیز تحریم صدور اقلام خوراکی ایران به آمریکا و تحریم صنایع فلزات ایران، صنایع معدنی، عمران، صنایع نساجی ایران که توسط ترامپ اعمال شده بود، رفع خواهد شد. طبقاً برای تعلیق این تحریم‌ها اجرای چهار قانون کنگره مطابق اختیارات رییس‌جمهور آمریکا تعلیق خواهند شد. در گزارش همچنین تصریح شده آمریکا متعهد شده که مفاد دو قانون کنگره یعنی قانون لغو روادید و قانون مبارزه با دشمنان آمریکا (کاتسا) اجرای کامل تعهدات برجامی توسط آمریکا را خدشه‌دار نکند.

شاید نکته مهم‌تر در گزارش این است که در صورت نهایی شدن کل توافق، شماری از فرمان‌های اجرایی قبل از برجام و فرمان‌های اجرایی ترامپ علیه ایران نیز لغو خواهند شد. این فرمان‌ها شامل فرمان اجرایی 13876 نیز می‌شود که در آن از تحریم رهبری، دفتر ایشان و برخی مقامات منصوب از سوی ایشان از جمله آقای ریسی سخن رفته است. نکته مهم دیگر، اشاره به توافق در مورد ابطال شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان به اصطلاح «سازمان تروریستی خارجی» است. البته در گزارش وزارت خارجه اشاره‌ای به فرمان اجرایی 13949 (منع معاملات تسلیحات متعارف توسط ایران) و دو سه فرمان اجرایی دیگر نشده است. با این حال، آن گونه که از این گزارش بر می‌آید، آمریکا حاضر به لغو تحریم‌های اولیه (منع اشخاص امریکایی به هر گونه معامله با ایران) و نیز لغو تحریم‌هایی که به بهانه‌های غیرهسته‌ای (مانند تروریسم، موشکی، حقوق بشر و...) نیست، لازم به یادآوری است که این بخش از تحریم‌ها هیچگاه بین ایران و آمریکا مورد مذاکره نبوده است. در گزارش همچنین اشاره‌ای به احتمال اختلاف در مورد «مذاکرات بعدی»، تضمین عدم خروج از برجام که زمینه‌ای

برای آن وجود ندارد، چگونگی راستی‌آزمایی، تکلیف مکانیسم ماشه در قطعنامه 2231، پرداخت خسارت خروج از برجام، موضع آمریکا در مورد دعاوی آژانس علیه ایران و... که برخی از اصولگراها بر آن اصرار دارند، نشده است. همچنین هنوز روشن نیست که آیا همه تحریم‌های ترامپی علیه ایران رفع خواهند شد یا خیر؟ در این بخش از گزارش به تعهدات هسته‌ای ایران که مطابق تعهدات برجام 94 است، اشاره شده است.

دکتر ظریف در بخش پایانی نامه خود به درستی به مجلس توجه داده که «هر سیاستی نقاط قوت و ضعف دارد. مخالفان یک سیاست ضمن اظهارنظر و نقد سازنده، نباید اجرای سیاست اتخاذ شده را مختل کنند. او همچنین توجه داده که اگر از ابتدا در پی استفاده حداکثری از برجام بودیم و مقدار بیشتری سرمایه خارجی جذب کرده بودیم، تحریم ایران و اعمال فشار حداکثری بسیار دشوارتر می‌شد.» وی همچنین تأکید کرده که «اگر در مورد ضرورت کار متوازن با شرق و غرب به یک اجماع ملی رسیده بودیم و از همه امکانات برجام برای ایجاد منافع اساسی اقتصادی برای همه کنشگران - به شمول شعبات خارجی شرکت‌های امریکایی - بهره برده بودیم» شاید با مشکلات سه ساله اخیر مواجه نمی‌شدیم.

توپ مذاکرات وین در زمین مجلس

حسن بهشتی‌پور

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه گزارشی را خطاب به مجلس و مردم منتشر کرد که این گزارش را می‌توان از جنبه‌های متفاوتی مورد نقد و بررسی قرار داد. اصلی‌ترین موضوعی که در این زمینه جلب‌توجه می‌کند این است که به نظر می‌رسد محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه تلاش دارد با انتشار عمومی این گزارش به نوعی با مجلس شورای اسلامی و سایر گروه‌هایی که هنوز در خصوص احیای برجام و پذیرفتن دستاوردهای مذاکرات در وین به اجماع نرسیده‌اند اتمام حجت کند و بگوید این توافق احیا شدنی است.

اکنون مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای تصمیم‌گیر باید به این سوال اساسی پاسخ بدهند، با توجه به وضعیتی که وزیر امور خارجه ترسیم کرده و آنچه تا امروز در مذاکرات وین به دست آمده، مانع اصلی بر سر راه پذیرش توافق و احیای برنامه جامع اقدام مشترک چیست؟

نگاهی به گزارش تفصیلی وزارت امور خارجه نشان می‌دهد ایران همچنان می‌تواند به طرح خواسته‌های حداکثری ادامه دهد و بر مواضع بدون انعطاف گذشته پافشاری کند اما مشخص نیست طرف مقابل تا کجا ادامه‌دار شدن مذاکرات را بپذیرد و فضای مثبت کنونی و توافقات حاصل‌شده تا امروز تا چه زمانی باقی بماند. همچنین با توجه به اینکه فرسایشی شدن مذاکرات ضررهای بسیاری برای ایران دارد، می‌توان با گذشتن از بخشی از خواسته‌ها، گشایش‌هایی ایجاد کرد تا اقتصاد ایران بتواند شرایط سخت کنونی را پشت سر بگذارد.

باید این موضوع را در نظر داشت که در مذاکرات وین یا باید بر سر تمامی موضوعات مربوط به احیای برجام توافق شود یا در غیر این صورت توافقی وجود نخواهد داشت. اکنون این وظیفه نهادهای مسوول است که اولاً امکان‌سنجی اخذ امتیازات بیشتر از ایالات متحده را بررسی کنند و در ثانی بررسی کنند خواسته‌هایی که تا امروز در مذاکرات تامین نشده در مقابل باقی ماندن تحریم‌ها تا چه اندازه اهمیت دارند و با اولویت‌بندی صحیح به تصمیم‌گیری پردازند.

این گزارش را می‌توان مشابه فکت‌شیتی دانست که امریکایی‌ها پس از توافق وین و پیش از حصول برجام منتشر کردند و با تشریح مزایای توافق هسته‌ای با ایران برای ایالات متحده، درصد قانع کردن نیروهای داخلی مخالف برجام برآمدند. از سوی دیگر هم به شبهه‌های زیادی که پیرامون برجام از ابتدا وجود داشت - نظیر بودن یا نبودن ایران ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد - پاسخ داده شده و هم ارجاعات و منابعی که در گزارش برای صحت‌سنجی ادعاهای مطرح‌شده وجود دارد، قابل راستی‌آزمایی است و هر پژوهشگری می‌تواند با بررسی آنها به صحت یا نادرستی ادعاهای مطرح شده پی ببرد.

در مجموع در خصوص گزارش وزارت خارجه به مجلس شورای اسلامی می‌توان این نتایج را استنتاج کرد:

1- برآورد دستاوردهایی که تیم مذاکره‌کننده در وین در حوزه رفع تحریم‌ها کسب کرده‌اند و همچنین تعهداتی که ایران در ازای آن باید اجرایی کند، بسیار قابل قبول است و با توجه به شرایط کنونی کشور، وضعیت تاب‌آوری اقتصادی و آسیب‌هایی که تداوم تحریم‌ها یا پیچیده‌تر شدن شرایط بسیار بیشتر از آن است که بخواهیم از امتیازات قابل قبولی که تا امروز به دست آمده چشم‌پوشی کنیم. با هر قیاس و از هر نگاهی، پذیرش توافقی با خصوصیات که در گزارش وزارت خارجه ذکر شده به نفع ایران است.

2- گره‌ها و موانع اصلی باید روشن شوند و انتظار از مذاکرات باید واقعی و قابل درک باشد. اگر گره اصلی مساله تضمین است و جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد در شرایط کنونی ایالات متحده در مسیر

ارایه تضمین از طریق تصویب برجام به عنوان يك معاهده در کنگره برآید، چنین خواسته‌ای دست‌یافتنی نیست چرا که حزب دموکرات حائز دو سوم کرسی‌های کنگره نیست و در نتیجه دولت امریکا نیز نمی‌تواند چنین خواسته‌ای را فراهم کند. ممکن است این تردید وجود داشته باشد که بدون ارایه تضمین، چگونه می‌توان اعتماد کرد که دولت آینده ایالات متحده یا حتی همین دولت به تعهداتش در برجام عمل کند و عنوان شود که موارد مندرج در بندهای 26 و 36 برجام کافی نیست. سوال اساسی این است که آیا راهی برای ارایه تضمین وجود دارد؟ چه چیزی می‌تواند مانع از نقض دوباره برجام یا هر توافق دیگری شود؟

3- با توجه به تحریم‌هایی که ایالات متحده پذیرفته رفع کند و همچنین تحریم‌هایی که باقی می‌مانند، تحریم‌های باقی مانده مانعی جدی بر سر راه انتفاع اقتصادی ایران از توافق هسته‌ای نیستند. در صورتی که تحریم‌های باقی مانده گره اصلی مذاکرات است، وزن‌کشی تحریم‌هایی که رفع آن پذیرفته شده و آثاری که رفع آنها در پی خواهد داشت، نشان می‌دهد ایران با پذیرش توافق می‌تواند يك فضای تنفس جدید و جدی برای اقتصاد خود ایجاد کند و چنین موضوعی کاملاً به نفع تهران خواهد بود.

4- برجام نه تنها توانایی هسته‌ای ایران را از بین نبرده بلکه ایران طی سال‌های اخیر هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی در صنعت هسته‌ای پیشرفت‌های چشمگیری داشته که نمی‌توان از این پیشرفت‌ها چشم‌پوشی کرد و در مقابل به شایعات و دروغ‌هایی توجه کرد که صنعت هسته‌ای را نابود شده ارزیابی می‌کنند.

در آخر باید تصریح کرد شواهد و قرائن نشان می‌دهند این توافق چه در این دولت، چه در دولت آینده احیا می‌شود و قابل پذیرش نیست که طرفین به جای گزینه‌ای معقول و منطقی برای دیپلماسی و توافق برای احیای برجام به سوی راهکارهایی که ناکارآمدی آن در گذشته اثبات شده حرکت کنند. با این حال مساله اینجاست که هرچه احیای برجام به تاخیر بیفتد و هرچه تحریم‌ها دیرتر رفع شوند، آسیب‌های بیشتری بر پیکره اقتصاد ایران وارد خواهد آمد. از سوی دیگر هیچ تضمینی وجود ندارد که دولت آینده با اتخاذ تاکتیک‌هایی متفاوت در مذاکرات یا تقویت توان هسته‌ای بتواند امتیازات بیشتری از طرف غربی بگیرد و این احتمال مطرح است که با طولانی‌تر شدن مذاکرات، حتی به دست آوردن امتیازاتی که تا امروز بر سر آن توافق شده وجود نداشته باشد. نگاهی به تجربه کره شمالی نشان می‌دهد که پیشرفت هسته‌ای و حتی دستیابی به بمب نیز نمی‌تواند لغو تحریم‌ها را تضمین کند و دیپلماسی در کنار تقویت توان اقتصادی تنها راهی است که پیش روی ایران برای لغو تحریم‌ها وجود دارد.

سکوت گزارش وزارت خارجه پیرامون خواسته‌های فرابرج‌امی ایالات متحده

امریکا در ازای رفع تحریم‌ها چه خواسته‌هایی دارد؟

امیرعلی ابوالفتح

توافق هسته‌ای موضوعی بسیار مهم برای حاکمیت و مردم ایران است که هم دربرگیرنده مسائل فنی و امنیتی است و هم با توجه به ارتباط این موضوع با مساله تحریم‌ها که تاثیری مستقیم روی زندگی و معیشت مردم عادی دارد، افکار عمومی توجه ویژه‌ای به آن دارند. مردم تمایل دارند که از چرایی عدم حصول توافق و رفع نشدن تحریم‌ها آگاه باشند و به همین دلیل رایه گزارش هم امری مهم تلقی می‌شود. از سوی دیگر براساس قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» وزارت امور خارجه هر سه ماه یکبار مکلف به رایه چنین گزارشی به مجلس شورای اسلامی است و می‌توان این نوع گزارش را یک تکلیف قانونی ارزیابی کرد که وزارت خارجه تصمیم گرفته آخرین گزارش از این دست را بسیار مفصل‌تر از گزارش‌های پیشین رایه کند.

آنچه از سوی وزارت خارجه پیرامون توافقات حاصله در مذاکرات وین منتشر شده تمام انتظارات ایران از این توافق را برآورده نمی‌کند. در حال حاضر برخی نقدها نسبت به اصل برنامه جامع اقدام مشترک مطرح است، نظیر آنچه درخصوص «تحریم‌های اولیه» و تاثیر آن بر بهره‌مندی اقتصادی ایران از توافق هسته‌ای و برخی نقدها نیز نسبت به محورهای توافق شده در گفت‌وگوهای وین وجود دارد. منتقدان بر این باورند که در بهترین حالت حتی اگر امریکایی‌ها صددرصد تحریم‌های برج‌امی خود را نیز اجرایی کنند، کماکان نمی‌توان مطمئن بود که مشکلات کشور در حوزه اقتصادی حل و فصل شود.

از طرفی روشن نیست پس از بازگشت به اجرای برجام، ایالات متحده در ازای برداشته شدن تحریم‌ها چه انتظاراتی از ایران خواهد داشت.

گزارش در این خصوص سکوت کرده و نیامده است که آیا امریکا انتظار دارد در ازای اجرای برجام، گفت‌وگوهایی فراتر در قالب‌هایی نظیر «برجام پلاس» یا «برجام 2» آغاز شود؟ مواضع اعلامی مقامات امریکایی این است که واشنگتن به برجام بازمی‌گردد تا در آینده امکان گفت‌وگوهایی بیشتر درخصوص موارد دیگر نظیر مسائل موشکی و منطقه‌ای فراهم شود. اگر چنین شرطی از سوی امریکا وجود داشته باشد، حاکمیت در ایران چنین موضوعی را نخواهد پذیرفت. جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده که در موضوعات غیربرجامی مذاکره نکند اما گزارش وزارت خارجه درخصوص مواضع امریکا پیرامون موضوعاتی نظیر گفت‌وگوهایی بیشتر و ارتباط آن با رفع تحریم‌ها سکوت کرده و اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند.

در گزارش اشاره شده که ایالات متحده آماده رفع کدام تحریم‌هاست؛ بسیار خوب است که امکان لغو تحریم‌های موضوعی علیه اقتصاد ایران فراهم آمده، بسیار خوب است که تحریم علیه دفتر رهبری لغو می‌شود و بسیار خوب است که شناسایی سپاه به عنوان سازمان تروریستی ابطال خواهد شد، اما بسیار مهم‌تر است که روشن شود علاوه بر انتظارات فنی و نظارتی در حوزه هسته‌ای ایالات متحده چه انتظاراتی دارد و آیا انتظارات واشنگتن منطبق با مواضع اعلامی از سوی مسوولان امریکایی است؟ مساله این است که آیا حرکت بعدی امریکا همانی خواهد بود که از سوی رابرت مالی، فرستاده ویژه در امور ایران، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده اعلام می‌شود؟ اگر چنین باشد جمهوری اسلامی پیش‌تر موضع خود را روشن کرده و گفته است که حاضر به پذیرش آن نیست. اما اگر صرفاً موضوع بازگشت به برجام، رفع تحریم‌ها و اجرای تعهدات ذیل توافق باشد مساله فرق می‌کند و خوب است که این اتفاق بیفتد.

قابل درک است زمانی که ایران گفت‌وگویی پیرامون مسائل حقوق بشری و سایر مسائل مورد اختلاف نکرده، صحبتی هم درخصوص لغو تحریم‌ها در این حوزه‌ها مطرح نباشد؛ به آن معنا که در برابر تعهدات هسته‌ای ایران تنها تحریم‌های مربوط به برنامه هسته‌ای لغو می‌شوند اما نگرانی اصلی این است که گام بعدی امریکا در مذاکرات چیست. اگر امریکایی‌ها بگویند برداشته شدن تحریم‌های هسته‌ای نشانه حسن‌نیت است و ایران باید در ازای آن به گفت‌وگوهایی بیشتر تن دهد، ماجرا متفاوت خواهد بود.

ارزیابی گزارش منتشر شده، نشان می‌دهد گره اصلی در وین به زمان حال باز نمی‌گردد، بلکه به موضوعاتی مرتبط است که در آینده رقم خواهند خورد. یعنی در حال حاضر تهران و واشنگتن پیرامون آنچه اکنون باید اتفاق بیفتد تا حدود زیادی به توافق دست یافته‌اند و

مسائل مربوط به آینده نظیر گفت‌وگوهای بیشتر یا مساله راستی‌آزمایی و ارایه تضمین به گره اصلی بدل شده است. تهران خواهان آن است که فردای توافق گفت‌وگوها در همین نقطه متوقف شود و ایالات متحده خواهان تسری دادن گفت‌وگوها به سایر موضوعات است.

در صورتی که دستیابی به توافق ممکن نباشد هم نمی‌توان گفت کدام يك از طرفها بیشتر آسیب می‌بیند. برای ایران تحریم‌های سازمان ملل چیزی فراتر از آنچه ایالات متحده اکنون با زور و قلدری و به صورت یکجانبه اعمال می‌کند، نیست. امریکایی‌ها کار آخر را همان اول انجام داده‌اند و دیگر زمانی که تمام دنیا تحریم‌های حداکثری علیه ایران را اجرایی می‌کنند، اجماع بین‌المللی مفهومی ندارد. اجماع جهانی، هر چند به صورت ناخواسته و شاید با عدم تمایل برخی بازیگران از ترس امریکا به وجود آمده است. تحریم‌های سازمان ملل زمانی برای جمهوری اسلامی ایران ترسناک بود که آن تحریم‌ها شدت بیشتری نسبت به تحریم‌های ایالات متحده داشت و اکنون که تمامی راه‌های تنفسی اقتصاد ایران از سوی ایالات متحده مسدود شده نمی‌تواند با تحریم‌های سازمان ملل ایران را وادار به امتیاز دادن کرد.

درخصوص موارد مربوط به رفتن ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد و حتی مطرح شدن تقابل نظامی نیز همین رویه وجود دارد. ایران و امریکا تا جایی که تنها 10 دقیقه تا آغاز جنگ فاصله داشتند، پیش رفتند؛ ایران پهپاد امریکایی را با شلیک پدافند سرنگون کرد، آنها سردار سلیمانی را به شهادت رساندند و ایران پایگاه عین‌الاسد را موشک‌باران کرد. جان بولتون، مشاور امنیت ملی رییس‌جمهور پیشین امریکا در کتاب خاطرات خود می‌نویسد تصمیم نهایی درخصوص حمله نظامی به مواضعی در ایران اتخاذ شده بود و او برای حمام کردن و تعویض لباس به خانه رفته و زمانی که بازگشته ترامپ تصمیم گرفته منصرف شود. وقتی شما تا چنین مرحله‌ای پیش رفته‌اید و جنگ نشده، در آینده و با رفتن به ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد نیز جنگ نخواهد شد.

امریکایی‌ها اساساً از جنگ‌های قرن بیستمی عبور کرده‌اند. آنها تحت هیچ شرایطی وارد جنگ‌هایی که بمباران و لشکرکشی و خونریزی داشته باشد نخواهند شد و به جای آن جنگ‌های قرن بیست و یکمی را در دستور کار قرار خواهند داد که خصوصیات متفاوتی از جنگ‌های قرن بیستمی دارد. این جنگ‌ها سایبری، نیابتی، اقتصادی و... خواهد بود و این‌گونه نیست که اگر امروز توافق حاصل نشود، فردا بی‌52ها برای بمباران تهران به هوا برخوانند خاست.

به احتمال بسیار با به نتیجه نرسیدن توافق فشارهای اقتصادی و سخت‌گیری در اجرای تحریم‌ها تشدید خواهد شد، خرابکاری‌ها افزایش

خواهند یافت و راهبردهای مبتنی بر ایجاد آشوب در درون کشور نیز به‌طور جدی‌تری در دستور کار قرار خواهند گرفت. ما نباید تصور کنیم که ایران با امریکایی قرن بیستمی روبه‌رو است. به نظر می‌رسد در داخل کشور نیز تحول ویژه‌ای در سیاست‌های نظام در خصوص پرونده هسته‌ای ایجاد نشود؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری عنوان کرده‌اند سیاست‌گذاری در حوزه سیاست خارجی به شوراهای بالادستی واگذار شده و وزارت خارجه صرفاً مجری است. با توجه به همین موضوع احتمالاً در دولت سیزدهم نیز همین روند و گفت‌وگوها با تاکتیک‌های متفاوتی از سوی تیم سیاست خارجی دولت آینده یا در صورت واگذاری مسوولیت پرونده به شورای عالی امنیت ملی، از سوی مذاکره‌کنندگان این نهاد دنبال شود.

منبع: روزنامه اعتماد 22 تیر 1400 خورشیدی